

چهره‌های معنوی کره باستانی

نوشته شانگ بیونگ - کیل

طبق يك افسانه کهن که پژوهشهای باستان‌شناسی و مطالعات زبان‌شناسی ظاهراً آن را تایید کرده‌اند هزاران سال پیش قبایل ساکن کوه‌های آلتایی به سوی شرق در منچوری و سیبری مهاجرت آغاز کردند. برخی از این قبایل که احتمالاً از نژاد تونگوز بودند تا شبه‌جزیره کره پیش رفتند و آنچه را که در آنجا مشاهده نمودند پذیرفتند. این قبایل از هزاره سوم پیش از میلاد مسیح در داخل شبه جزیره نفوذ بیشتری کردند و در آنجا مستقر گشتند و به صورت يك گروه نژادی غالب در آمدند.

ساکنان اولیه کره که به صید ماهی و شکار حیوانات می‌پرداختند از وضع و رفتار اشیاء محیط زندگی خود کاملاً بی‌خبر و سردرگم بودند و از خود می‌پرسیدند که آیا این اشیاء هم مانند خود آنها روح دارند یا نه؟ آنها برای درک محیط زیست خویش و سازگاری با آن بسیار کوشیدند و سرانجام بر این عقیده شدند که در نیروهای طبیعت و اشیاء جاندار و بیجان محیط زندگی‌شان روح نیرومندی وجود دارد. از اینرو وقتی يك شکارچی تا گزیر می‌شد برای خوردن گوشت حیوانی آن را به قتل برساند مراسم مذهبی خاصی را انجام می‌داد تا بدینوسیله موافقت روح توتمی آن حیوان را جلب کند و یا اینکه دهقانان برای به دست آوردن محصول خوب به مراسمی می‌پرداختند که منظور از آن این بود که خدایان محلی مزارع و جنگلها را با خودشان موافق سازند.

برای برآورده ساختن نیازمندیهای شخصی مغایر با نیازمندیهای جامعه يك میانجی لازم بود تا برای دفع خطر يك بیماری و يك بداقبالی یا برای درمان آنها و یا اینکه به منظور تأمین يك گذرگاه مناسب و مساعد از این جهان به جهان دیگر در زمان مرگ با ارواح وارد مذاکره شود. میانجی که کاهن جادوگری بود و شامان نامیده می‌شد برای اینکار مراسم مذهبی لازم را انجام می‌داد.

اسطوره بنیانگذاری ملت، همانگونه که در کهنسال‌ترین دین کره‌یی موسوم به تائوونگ - گیویان شده، با افسانه‌های دیگر قبایل ساکن کوه‌های آلتایی مطابقت دارد. دین

تائوونگ - گیو که تقریباً چهار هزار سال پیش بوجود آمده تجسمی از مفهوم خدای سه‌گانه آفریننده، تعلیم دهنده و فرمانروای دنیوی است که هانول نام دارد. این خدا در قالب تان، گون پدر، معلم و فرمانروای ملت کره که از آسمان برقله بلندترین کوه کره احتمالاً کوه پائکتو در کره شمالی فرود آمد، شکل انسانی به خود گرفت. این حادثه ظاهراً در ۲۳۳۳ سال پیش از میلاد مسیح بوقوع پیوسته و تا زمانهای اخیر تاریخ و تقویم کره‌یی براساس همین سال استوار بود. تان گون معلم بزرگ و قانونگذار قبایلی گشت که در شبه‌جزیره کهن مسکن گزیده بودند. فرمانروایی وی نودوسه سال ادامه یافت و پس از آن او بار دیگر به آسمان صعود کرد.

جوامع قبیله‌یی اندک ندک توسعه پیدا کردند و به قلمروهای سلطنتی مبدل گشتند. در قرن اول پیش از میلاد مسیح سه قلمرو سلطنتی به اسامی کوروریو، پایکتی و سیلا در کره وجود داشت. در آیین‌های مشترک این سه کشور قبیله‌یی که با تشریفات یکسانی می‌بایست انجام گیرد توجه و عنایت خداوندان را به خود جلب می‌کردند.

مراسم مذهبی قبیله را روسای که پیام آوران امپراطور آسمانی تلقی می‌شدند رهبری می‌نمودند. در دوره‌یی که سه قلمرو سلطنتی در کره وجود داشت این مراسم در میان نجبا و توده مردم ریشه‌های عمیق و استواری دوانیده بود ولی ورود ادیان خارجی در پاکی و اصالت اعمال مذهبی تائوونگ - گیو اندک‌اندک خلل وارد آورد تا بدان جا که در قرن پانزدهم میلادی آیین مذهبی عملاً از میان رفت.

در طول دوران سه قلمرو سلطنتی کره که از سال ۵۷ پیش از میلاد مسیح تا ۶۶۸ سال بعد از میلاد مسیح بدرازا انجامید ادیان پیچیده تری از سرزمین چین به کره نفوذ کردند. هنگامی که آیین تائو (تائوئیسم) و آیینهای کنفوسیوس و بودایی یکی پس از دیگری وارد خاک کره شدند و به سرعت از طرف مردم آنجا مورد قبول قرار گرفتند. این ادیان سه‌گانه نه با یکدیگر کشمکش کردند و نه با آیینهای مربوط به ارواح محلی حاضر در طبیعت به مخالفت برخاستند.

تعیین تاریخ دقیق نفوذ آیین تائو (تائوئیسم) به عنوان آیین فلسفی و مذهبی در سرزمین کره کار دشواری است. نقاشیهای دیواری کشف شده در مقابر قدیمی مربوط به قلمرو سلطنتی کوروریو در نزدیکیهای کانگسو در ایالت پیونگان نفوذ آیین تائوئیستی را برای ما آشکار می‌سازند. برخی از تاریخچه‌ها نشان

می‌دهند که تعالیم لائوسو و شوآنک‌تسو در قرن هفتم میلادی به خاک کره راه یافت و برای مطالعه آنها کوششهای جدی و فراوانی بکار رفت. و حتی هنگامی که قدرت کوروریو روبه زوال گذاشت معابد بودایی به معابد تائوئیستی مبدل گشتند.

در قلمرو سلطنتی پایکتی هم برای اعتقاد به «ارواح» تائوئیستی تا حدی گرایش وجود داشت ولی عمیق‌ترین نشانه نفوذ تائوئیسم را در اصول رهبری کننده گروه برگزیدگان سیلا موسوم به هوارانگ می‌توان یافت که اعضای آن در شکیبایی، سادگی، سرور و هماهنگی که از ارزشهای عمده و اساسی علم‌الاخلاق تائوئیستی بشمار می‌آمدند و نیز در رعایت تعالیم کنفوسیوس مبنی بر وفاداری، حب‌والدین، صداقت و حسن نیت و در پیروی از تعالیم بودایی یعنی بر رحم و شفقت ممارست می‌یافتند.

اگر چه آیین تائو (تائوئیسم) نتوانست به عنوان يك آیین مستقل گسترش یابد ولی نفوذ آن در میان همه طبقات مردم کره همچنان ادامه یافت. بارزترین اثر نفوذ آن در میان مردم کره یکی اینستکه آنها طالب عنایات و برکات خداوندی بودند و دیگری تمایل شدید آنها به طول عمر است که هر دو از مشخصات عمده آیین تائوئیستی محسوب می‌شوند. اثر محوشدنی این دین در دو حرف چینی SU یعنی (طول عمر) و pok یعنی (عنایات خداوندی، خوشحالی، نیک بختی) هم که در بسیاری از اشیاء مورد استفاده روزانه مانند قاشق یا روبالشی به عنوان تزیین بکار می‌روند بچشم می‌خورد. هرگاه از يك فرد سالفورده کره‌یی سوال شود که به نظر وی عالی‌ترین عنایات و برکات خداوندی کدامها هستند بی‌درنگ پاسخ می‌دهد: طول عمر، سعادت، تندرستی، ثروت و داشتن اولاد.

آیین بودایی در قرن چهارم میلادی و تقریباً در اواسط دوران فرمانروایی پادشاهان سه قلمرو سلطنتی کره و درست پیش از آنکه در میان ملت کره تحت اقتدار جنوبی‌ترین قلمرو سلطنتی یعنی سیلا وحدت بوجود آید به سرزمین مزبور راه یافت. آیین کنفوسیوس نیز اگر چه در آن زمان پیروانی داشت ولی می‌بایست در زمانهای بسیار بعد شاهد گسترش عظیم خود در سرزمین کره باشد. در میان سه قلمرو سلطنتی سیلا (به‌علل مخصوصاً جغرافیایی) آخرین کشوری بود که دین بودایی که يك دین خارجی بشمار می‌رفت بدانجا نفوذ پیدا کرد. در سال ۳۷۲ میلادی يك راهب چینی موسوم به سوندو به قلمرو سلطنتی کوروریو که قلمرو شمالی بود عزیمت کرد و دروازه‌سال

شانگ بیونگ - کیل (Chang Byung - kil) استاد مذاهب در دانشگاه ملی سئول است. او علاوه بر اینکه در باره تاریخ مذاهب کره کتابهایی نوشته در تألیف «کتاب دستی کره» نیز که به سال ۱۹۷۸ در سئول منتشر گردیده سهم بسزایی داشته است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز مطالعات علوم انسانی

این دو مجسمه از بودیساها «بودای آینده» که از سنگ خارا ساخته شده‌اند در حوالی کیوتو کشف شده‌اند. تقریباً ۳۰۰ سال پیش از آنکه سوزا و تو کیمورا در شرق ژاپن کشف کنند، این مجسمه‌ها در دوره فرمازوی این سلسله سلطنتی در قرن هفتم میلادی تعلق دارند. چهره‌های مدور و منبسط آنها نشان‌دهنده آرامش روحی ناشی از اعتقاد به آیین بودایی است. آنها به خاطر اینکه آیین بودایی دارای منشأ هندی است نام هندی دارند.

پس از آن یکی از مبلغان مذهبی هند به نام مارناناتا از طریق چین به قلمرو سلطنتی پایکشی که در مجاورت آن قرار داشت وارد شد. تقریباً پنجاه سال از آن تاریخ می-گذشت که آیین بودایی اندک اندک در قلمرو سلطنتی سیلا نفوذ پیدا کرد و در سال ۵۲۸ میلادی بود که به بوداییها رسماً اجازه داده شد تا بطور علنی به تبلیغ آیین خود بپردازند. چنین به نظر می-رسد که در این اثناعدهین تازه همچون آتشی که نتوان آن را مهار کرد در دو قلمرو سلطنتی شمالی و ظاهراً با برخورداری از حمایت پادشاهان به سرعت شیوع یافته، معابد و صومعه‌های بیشماری در آنجا بنا گردیده و صدها نفر به آیین بودایی گرویده‌اند. در واقع آیین بودایی در میان ساکنان دو قلمرو سلطنتی پایکشی و کورگوریو چنان سریع و عمیق ریشه دوانید که در قرن ششم میلادی گروهی از کشیشان را همراه با متون مقدس و نیز عده‌ایی از صنعتگران اشیاء مذهبی را با تعدادی از اینگونه اشیاء به ژاپون فرستادند تا نخستین پایه‌های فرهنگ بودایی را در آنجا بنا نهند. احترام عظیمی که مردم کره برای تمدن چینی قائلند به ما امکان می‌دهد تا توجیه کنیم که چرا این آیین تازه در کره از یک چنین اعتباری برخوردار بود و چرا سرانجام به عنوان یک دین رسمی در هر سه قلمرو سلطنتی مورد قبول قرار گرفت.

بقیه در صفحه ۹

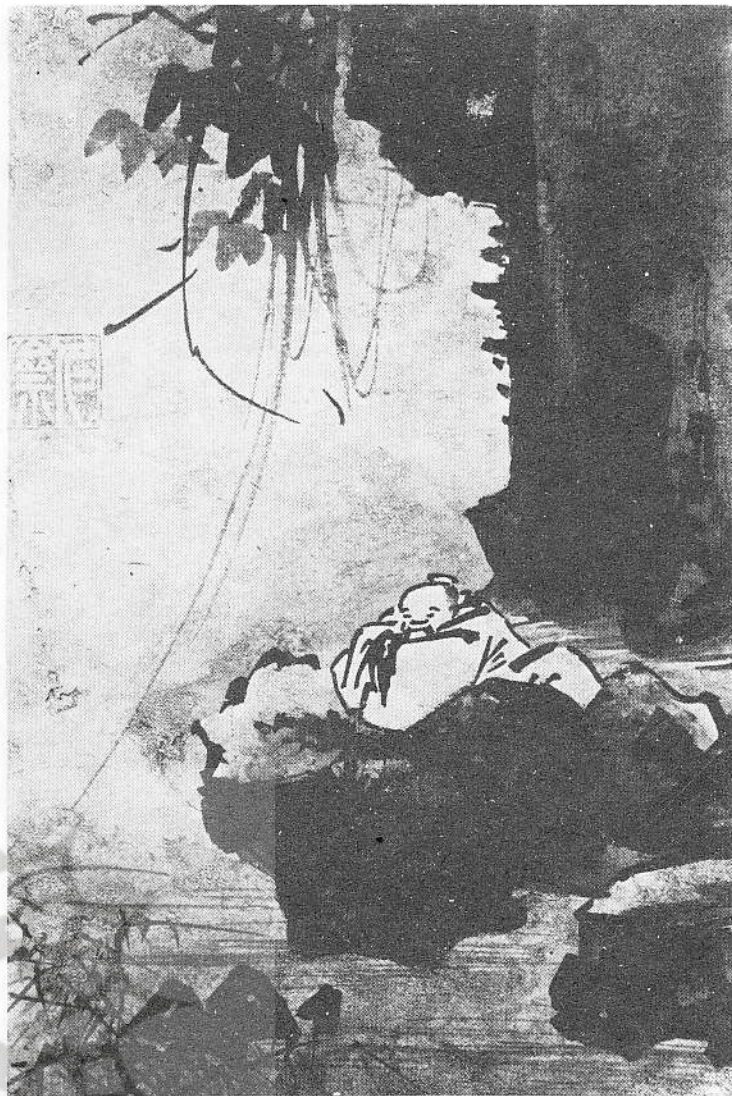


Photo: E. Kim, Tae Byok, Seoul, Rép. de Corée, Musée national de Séoul

صفحه رنگی

میترا در حال تأمل

در سنت بودایی که از هند تا چین و کره و ژاپون و تبت گسترش پیدا کرده است بودیساتواها (بودا-های آینده) نقش نجات بخشی دارند. طبق ماهایانا یا «وسیله انتقال بزرگ» که عالی‌ترین وسیله برای پیشرفت به سوی رستگاری بشمار می‌رود بودیساتواها افراد برگزیده‌یی هستند که باید به آگاهی واقعی برسند. آنها چون باید به درجه بودایی (شخصی منورالفکر و برخوردار از آگاهی حقیقی) نایل آیند از اینرو لازم است مراحل ده گانه کمال را که عبارتند از بخشندگی، رعایت اصول اخلاقی، شکیبایی، قدرت جسمی و روحی، تأمل، معرفت، مهارت در بکار بردن وسایل، عهد و پیمان، نیرو ودانش، طی کنند. با اینهمه بودیساتواها بیش از آنکه شیفته پاکسی و تقدس خاص خود باشند علاقه مند به رستگاری عمومی هستند. آنها در طی زندگیهای زمینی بیشماری که می‌گذرانند ورود نهایی خود را به نیروانا به تأخیر می‌اندازند تا بتوانند گروه بیشتری از انسانها را نجات دهند. محل و منشأ این بودیساتوا میترا که در حدود سال ۶۰۰ میلادی در دوره سیلا قدیم از مفرغ زرانند ساخته شده هنوز مجهول باقی مانده است (تصور می‌کنند که در آندونگ بدست آمده باشد). فکین چهارگوش و صورت پهن وی نشان می‌دهند که این مجسمه در کره جنوبی ساخته شده است. شکل خطدار لباسی، وضع قرار گرفتن بسیار طبیعی آن و نیز حالت وقار در چهره‌یی که به تأمل و تفکر عمیقی فرو رفته منظره کاملاً خاصی بدان بخشیده است.



Photo: Musée Karasang, Séoul, Rép. de Corée (collection part)

در اینجا حکیمی را در حال تأمل و تفکر بر روی صخره سنگی مشاهده می‌کنید. این حکیم پارسا و گوشه-نشین که از دنیا و اهل دنیا قطع علاقه کرده غرق تماشای طبیعت است. کانتگ هوئی-آن، نقاش کره‌یی (۱۴۱۹ - ۱۴۶۵) که در عین حال از ادبا و کارمندان عالی رتبه آن کشور بشمار می‌آمد به چین سفر کرد و از آنجا نقاشی رنگی چینی را که از سنتهای هنر کنفوسیوسی در دوره سلطنت سلسله مینگ محسوب می‌شود به کره وارد کرد.

نقاشان بیشماری توانسته‌اند روح آیین تاؤ (تاؤتسیم) را به وسیله انتخاب موضوع و طرز خاص نقاشی آن بیان کنند. در اینجا انرژی و نیرومندی جسمی روحی سوسونگ توان خدای طول عمر توسط یکی از نقاشان فاضل و شاعر و خطاط به نام کیم میونگ گوک (۱۶۴۳-۱۶۵۰) که در دربار اینجو از پادشاهان کره می‌زیست به طرز قابل ستایش نشان داده شده است.



پروفسور علوم اسلامی و اسلامیات
پہلے جیل علوم اسلامیات



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

هنگامی که سیلا به سال ۶۶۸ میلادی در شبه جزیره کره وحدت ایجاد کرد و آن را تحت اقتدار یک دولت واحد درآورد آیین بودایی در آنجا به عنوان یک دین رسمی مستقر شده بود اگر چه دستگاه دولتی بیشتر ملهم و متأثر از اندیشه های کنفوسیوس بود ولی این امر هرگز برخورد و کشمکش بوجود نیاورده بود.

در این دوره طلایی کشور سلطنتی متحد گشته سیلا که مدت کوتاهی بطول انجامید نتیجه یی که حمایت پادشاهی به باز آورد این بود که آثار هنری و معابد بودایی به طرز مجللی شکوفا گشتند. و تجزیه سریع این قلمرو سلطنتی که در مدتی کمتر از دوست سیال بعد صورت گرفت هیچگونه زبانی به دین بودایی وارد نیامد زیرا خاندان کوریو که در سال ۹۳۶ میلادی قدرت را به دست گرفت نسبت به دین وارد شده به آن کشور بیشتر نظر موافق داشت.

در میان گروه بیشتر راهبان و علمای مذهبی مشهور دوره حکومت سلسله سلاطین سیلا برجسته ترین از همه احتمالا وون هیو بود. اگر چه او در آن زمان یگانه رئیس مذهبی بود که در چین به تحصیل نپرداخت. وون هیو کوشید تا در میان فرقه های کوناگون بودایی که رقیب هم بودند یگانگی بوجود آورد. دین بودایی را در میان توده مردم بیشتر رواج دهد و آن را با زندگی روزمره افراد بیشتر منطبق سازد. او آثار فراوانی تالیف نموده و طبق افسانه یی با یکی از شاهزاده خاتمه مدت کوتاهی به عشقنازی پرداخته است. حتی گفته می شود پسری که از امتزیش آندو بوجود آمده مخترع خط کره یی موسوم به ایندو است که تصاویر و علائمی را که در زبان



صفحه رنگی

راهبان در میان هنگکای

دو روزی توفیر از کشیشان بودایی که میان هنگکای انبوهی که دامنه های کوه کانا را در سلسله چنال تقوالتک واقع در جنوب شرقی کره پوشانده اند رفتند. آندو در آنجا توقف کردند و تصمیم گرفتند که در همان محل معبدی بنا کنند. بدینسان سوئونگ وایونگ در سال ۸۵۴ میلادی معده هایین - شاهزاده که اکنون یکی از وسیع ترین معابد نگاهای سه گانه کره را تشکیل می دهد تأسیس نمودند. آنجا یکی از پادشاهان سلسله سیلا ساختمان معبد را برپا کرده گرفت. حکایت می کنند که این پادشاه از آنجا که تصمیم گرفته بود دین بودایی را بپذیرد به معابد نگاهای مزبور آمد تا برای همیشه در آنجا اقامت گزیند. بی آنکه از اداره امور کشوری که تمام آن را کاملاً در دست خود داشت، چشم پوشید. ساختن این معبد که در زمان سلطنت خاندان کوریو بنا شد تعداد ۸۱۴۵۰ صفحه چوبی نویسیا کا (مجموعه سه گانه متون بودایی) را که روزی آنها در قرن شانزدهم میلادی مجموع تعلیم بودایی کننده کاری شده است دربردارد. در این معبد بنا شکوه هایین - ساکشیمان بودایی اکنون نیز به عبادت می پردازند.

چینی فکر را بیان می کند بکار می برد. در طول مدت سلطنت خاندان کوریو کشیشان به مسائل سیاسی و امور درباری دلچسپی پیدا کردند و برخی از آنها حتی به فسادگرایی پرداختند و در پی دستیابی به مزایای مادی برآمدند. در قرن سیزدهم میلادی هنگامی که معولان به قدر غلبه کره را اشغال کردند و در سراسر خاک آن کشور، بجز جزیره کائوکوا واقع در مصب رود هان که شاه و درباریان مجبور شدند بدانجا پناه برند، دست به کشتار مردم و چپاول زدند در این مصیبت ملی سهمی از مسئولیت به عهده بوداییها بود. زوال سریع و قطعی دین بودایی در کره از این زمان آغاز شد. هنگامی که ژنرال یی سونگ - ژوی عصیان برپا ساخت و در سال ۱۳۹۲ خود را پادشاه کره اعلام نمود سیاست وی هم ضد مغولی و هم ضد بودایی بود. مذهب هر گونه نفوذی را بر روی دولت از دست داد. ثروت های کلان و نیز زمینهای منعلق به معابد ضبط شد و آیین کنفوسیوس به صورت آیین رسمی و مذهب ملی درآمد.

آیین کنفوسیوس به طوری که گفته می شود در واقع از زمانهای قدیم در کره استقرار یافته بود. تعدادی از متون مربوط به آیین کنفوسیوس پیش از آغاز تاریخ مسیحی وارد شبه جزیره کره شده بود و شواهد و مدارکی وجود دارد که نشان می دهد سه قلمرو سلطنتی کره از زمانهای بسیار قدیم تحت تأثیر آیین کنفوسیوس قرار گرفته اند. مثلاً در قرن چهارم میلادی یک دانشمند مرکزی برای تدوین اصول فلسفی و اخلاقی کنفوسیوس در قلمرو سلطنتی کوریو وجود داشته که وجود یک سنت طولانی و کاملاً مستقر شده یی را در آنجا به اثبات می رساند و نیز در آن زمان نظام های کنفوسیوسی خصوصی متعددی موسوم به کیونگ دانگ در شهرستانها بوجود آمده بودند.

چنین به نظر می رسد که پایکشی قلمرو سلطنتی مجاور آن نیز تقریباً در همان زمان به ایجاد مؤسسات مشابهی دست زده باشد. کشور سلطنتی سیلا که در جنوب شبه جزیره قرار داشت طبق معمول اندک زمانی بعد با این نفوذ خارجی آشنا گشت، ولی هنگامی که در قرن هفتم میلادی دو قلمرو سلطنتی دیگر را فتح و به خود جذب کرد علاقه اش نسبت به آیین کنفوسیوس و دیگر جنبه های فرهنگ چینی سریعاً افزایش یافت. نمایندگانی از متخصصان از این کشور به چین فرستاده شدند تا با طرز کار مؤسسات کنفوسیوسی از نزدیک آشنا شوند. این گروه هنگام بازگشت آثار بسیار زیادی درباره موضوع مورد مطالعه همراه خود آوردند. اگر آیین بودایی مذهب رسمی کشور سلطنتی متحد گشته سیلا بشمار می رفت آیین کنفوسیوس اساس فلسفی و ساختمانی این کشور را تشکیل می داد.

آیین کنفوسیوس در کره با آنچنان شور و به طرز چنان دقیق مورد قبول قرار گرفت که جنبه های بیرونی کره یی را پررنگ تر از خود می شمردند و از کره به عنوان «سرزمین ادب شرقی» سخن گفتند تا نشان دهند که کره یی با وجودت و درستی تمام جزئیات آیین کنفوسیوس را اجرا می کنند.

سقوط خاندان سلطنتی کوریو در سال ۱۳۹۲ آغاز تحکیم حیات آیین کنفوسیوسی به شمار می رود. در قرون پانزدهم و شانزدهم میلادی و در زمان اقتدار فرمانروایانی که عموماً افراد روشنفکر و یا محقق و متبعی بودند در زمانه اصلاحات اجتماعی، تصدّد طلبی و اصلاحات قضایی بیشتر فهای فراوانی حاصل شد و اختراعات بسیاری صورت گرفت که مهمتر از همه اختراع سیستم صوتی دقیق موسوم به هان گول است که نوشتن زبان کره یی را امکان پذیر ساخت، (مقاله صفحه ۱۳ را مطالعه کنید)

آیین کنفوسیوس از قرن هفدهم میلادی مکتب تازه یی از فلاسفه موسوم به سیلهاک یا مکتب دانش عملی و یافلسفه عملی انتقادی بوجود آورد که هدف آن بیش از آنکه آکادمیک باشند بر اصلاح سودمندی مبنی بود. شاید تحت تأثیر افکارو اندیشه های غرب که توسط صدهای از مبلغان مسیحی که در آفریقا در چین به فعالیت می پرداختند به طور غیر مستقیم به کشور کره راه یافته بود علاقه تازه یی در میان فضلا و دانشمندان نسبت به برخی از مسائل از قبیل استعداد تولیدی و دفاع ملی، کشاورزی، تجارت و رفاه و آسایش عموم مردم پدید آمد.

آیین کنفوسیوس در کره نظام آموزشی و تشریفاتی و اداره کشور خاصی را بوجود آورد پس از سقوط حکومت سلطنتی در آغاز قرن بیستم میلادی از میان این نهادها تنها نخستین نهاد اهمیت خود را حفظ کرد. با اینهمه حاصل کنفوسیوسی که در اخلاق و روابط اجتماعی عمیقاً ریشه دوانیده بود در طرز تفکر و رفتار گروهی از مردم کره به عنوان یک عامل مهم و برجسته باقی ماند.

رقبالیتهای مبلغان مسیحی در کره از قرن هفدهم میلادی و هنگامی توسط پیدایش مکتب کاتولیک چینی آثار ماتئوریکسی مبلغ کاتولیک مذهب توسط فرستادگانی که همه ساله برای ادا احترام به امپراتور چین و تقدیم هدایا به وی به یکن می رفتند به کره آورده شدند. مبلغان مسیحی که به کشور کره رفتند و خاصه پروتستانها که در دورانهای بعد بدانجا وارد شدند دانش تازه یی در همه زمینه ها با خود به همراه آوردند و بدینسان خلایق را که ملت جدا مانده و در خود فرو رفته کره - در صورتیکه خواست به سطحی از تجدد برسد که استقلال ممتدی را برای وی تأمین کند - ناامیدانه نیازمند پر کردن آن بودند، پر کردند.

مبلغان مذهبی برای تعداد کثیری از جوانان کره یی که قادر به انجام وظایف رهبری بودند در خارج امکان آموزش عالی را فراهم آوردند و مردم را در مقابل تعصبات ژاپیون بر حق حاکمیت کره به مقاومت متین تر متذکره ترغیب نمودند. به ششادانه تبلیغ و تبلیغات

جنش تونگهاک که در نیمه های قرن نوزدهم میلادی به دنبال مسائل اجتماعی بشمار می آید بوقوع پیوست به یک معنا واکنشی در مقابل مذهب کاتولیکی بود که فرهنگ غرب بدان اطلاق می شد و حال آنکه تونگهاک به معنای فرهنگ شرقی است. از عوامل دیگر این جنبش یکی انحطاط سنتی است. در آن زمان و دیگری دشواریهایی است که دهقانان از پای برآمده در زیر سلطه طبقه اشراف یا نجبای خردپا و بیکار و روستاها با آن مواجه بودند. از این نظر تونگهاک یک جنبش اصلاح طلبانه یی که عصری از مخالفت با بیگانگان را دربر داشت و نشان دهنده آگاهی مردم از تقید پیدایشی و ازم تقید تسلط خارجی و با تهدید ضعف داخلی، بود که در این روشها، پرورش روشنفکران مسیحی می کردند.

شوشی - یو، بنیانگذار جنبش تونگهاک در آرزوی ایجاد نظام مذهبی خاصی بود که به قول خود وی می بایست «اصول اخلاقی آیین کنفوسیوس، آگاهی از طبیعت و به تازگی برده شده از آیین بودایی و رشد و توسعه انرژی را که آیین تائوئیسم (تائوئیسم) این را توصیف می کرد در هم آمیزد. یک جنبش وحدتی میان عقاید مختلف دینی از مشخصات تقریباً همه مذاهب بعدی است. از این بیشتر آنها اصول اخلاقی آیین کنفوسیوس، آداب و شعائر آیین بودایی و شیوه های مربوط به اعمال مذهبی آیین تائوئیسم را دربر خود حفظ کرده اند. شوشی تائوئیسم را به عنوان یک شانتگ یونگ - کیل